

تماس تلفنی زنی با پلیس باعث شد شوهرش از دست آدم‌ربایان به سرعت نجات یابد. اسماعیل زراعتیان، فرمانده انتظامی شیراز در این باره به سایت پلیس گفت: در پی تماس تلفنی زنی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر گروگان‌گرفته‌شدن شوهرش از سوی سه نفر در خانه‌ای از محله‌های شیراز، تحقیقات ماموران کلانتری ۴۰ سلطان‌آباد در این رابطه آغاز شد. همزمان با ورود ماموران به این خانه، سه مرد آدم‌ربا بازداشت و گروگان ۴۰ ساله هم نجات یافت. متهمان در بازجویی اولیه علت و انگیزه آدم‌ربایی را اختلاف حساب عنوان کردند.

زن زیرک

ناجی شوهرش شد

روایت اهالی از

قتل لیلا کوچولو

اختلافات خانوادگی این بار جان دختری ۹ ساله را در روستای پری بخش‌زند ملایر استان همدان گرفت. بر اساس اعلام فرمانده انتظامی ملایر، قاتل که برادر بزرگتر مقتول است، سه روز پس از ارتکاب جنایت دستگیر شد و به قتل او اعتراف کرد. حالا اهالی روستادر گفت‌وگو با جام‌جم جزئیات تازه اما متفاوت از این جنایت هولناک را تشریح کردند. این در حالی است که انگیزه مرد میانسال از قتل خواهر ناتنی‌اش هنوز نامشخص است.

سهم‌لیلای کوچک از زندگی فقط ۹ بهار بود و خورشید زندگی‌اش خیلی زود غروب کرد. یکی از بستگان مقتول در گفت‌وگو با جام‌جم در مورد این جنایت گفت: «هنوز باورم نمی‌شود اکبر مرتکب قتل شده باشد، اما به آن اعتراف کرده است. پدر اکبر

شده و او گفته بود نمی‌گذارم به مکه بروی. فردای آن روز، برای این‌که مانع سفر پدر به مکه شود، یکی از فامیل‌های اکبر به در خانه لیلا رفت و او را همراه خودش آورد تا چند روزی از او در جایی نگهداری کند و دوباره به خانه‌اش بازگرداند. مشخص نیست دقیقاً چه اتفاقی رخ داده و انگار لیلا قصد فرار داشته‌که اکبر یا فامیلش دخترک را دنبال می‌کنند. گویا سر لیلا به جدول اصابت می‌کند و جان می‌سپرد. بعد هم جسد بی‌جان لیلا را در کاهدان پنهان می‌کند. یک روز پس از قتل و با اطلاع برادر کوچکتر اکبر از این جنایت به تصور این‌که به برادرش کمک کند، جسد را از کاهدان خارج و در باغ دفن کردند. دو ساعت پس از جنایت، مادر لیلا به مدرسه دخترش رفت تا سفرشان را به مدرسه اطلاع ده‌که مسئولان مدرسه به او گفتند دخترش

درگیری دو پسر دانش‌آموز موقع بازی فوتبال حادثه آفرید و یکی از آنها دیگری را با ضربه چاقو زخمی کرد. به گزارش روابط عمومی آموزش و پرورش چهارمحال وبختیاری، شهرام محبی، مدیر آموزش و پرورش خاتمیرزای چهارمحال وبختیاری در این باره گفت: در پی درگیری دو دانش‌آموز هنگام مسابقات ورزشی در سالن ورزشی امام علی(ع) آلونی، یکی از دانش‌آموزان با ضربه چاقو مصدوم شد که سریعاً به بیمارستان لرندگان منتقل شد و دانش‌آموز ضارب توسط نیروی انتظامی دستگیر و به کانون اصلاح و تربیت منتقل شد. خصوصت شخصی عامل اصلی این حادثه بود.

درگیری در بازی فوتبال

دانش‌آموزی

اصلاً به مدرسه نیامده است. پس از آن پلیس وارد عمل شد و با این‌که ابتدا به اکبر ظنین نشدند، اما در ادامه با مشکوک شدن به او در نهایت دستگیرش کردند. اکبر با این‌که گفته‌قتل لیلا کار خودش بوده، اما هرگز ندیدم روی لیلا دست بلند کرده یا با او بداخلاقی کند. هنوز جزئیات دقیق این حادثه مشخص نیست و پلیس در حال تحقیق است.»

یکی از اهالی روستا هم به ما گفت که پدر اکبر رفتار متفاوتی با فرزندان همسر اول و همسر دومش داشت و به لیلا توجه بیشتری داشت و همین باعث شد تا تخم کینه در دل فرزندان همسر اول و او به خصوص اکبر کاشته شود. او در ادامه در مورد نحوه وقوع جنایت و پنهان کردن آن گفت: «صبح روز جنایت که لیلا می‌خواست به مدرسه برود، جلوی در خانه ایستاد. ظاهراً اکبر به لیلا گفت که چون چشمانم نمی‌بیند دستم را بگیر. بچه هم دستش را گرفت و اکبر او را به حیاط خانه برد. آنجا لیلا را خفه می‌کند و به چاه می‌اندازد. برادر کوچکترش در مخفی کردن جسد به اکبر کمک کرد. با مطلع شدن پلیس از مفقودی لیلا، پلیس به افراد خانواده و زخم‌های دست اکبر به او مظنون شدند. پلیس ظاهراً برای بازکردن معج اکبر به او گفته بود برادر کوچک‌تر گفته که اکبر چطور لیلا را کشته است. همین‌کافی بود تا اکبر هم به جنایت خود اعتراف‌کند. اکبر قصد قتل لیلا را نداشت و از روی حرص و عصبانیت و جنون دست به قتل لیلا زد.»

احمد ساکی، فرمانده انتظامی ملایر در تشریح این پرونده گفت: «صبح روز ۱۹ آذر در پی اعلام خبر مفقودی لیلا دختر بچه ۹ ساله یکی از روستاهای شهرستان ملایر، بررسی موضوع به صورت ویژه در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی این شهرستان قرار گرفت. پس از چهار روز تلاش شبانه‌روزی بی‌وقفه و جست‌وجوی کلیه محل‌ها و اماکن مشکوک و انجام اقدامات تخصصی و شیوه و شگردهای خاص پلیسی سرانجام جسد این دختر بچه پچه ۹ ساله که در باغات اطراف روستا دفن شده بود شناسایی، کشف و تحویل پزشکی قانونی شد. در این رابطه وونفر از اعضای خانواده مقتول به عنوان مظنون دستگیر شدند که در بازجویی‌های تخصصی و در مواجهه با مدارک و مستندات یکی از آنها صراحتاً به قتل خواهرش با هم‌دستی دیگر عضو خانواده اعتراف کرد.»

اتفاقیه

دام قاچاقچی شیشه برای دختران دانشجو

تولید می‌کنم. آموزش تولید آن را از دوستم مهرداد یاد گرفتم که او یک قاچاقچی حرفه‌ای بود که خودش هم آشپزخانه داشت. او چند سال پیش بازداشت و بعد هم محاکمه و اعدام شد. چندی قبل با مردی آشنا شدم، می‌گفت فروش شیشه در اروپا سود دارد و پول آن با دلار و یورو پرداخت می‌شود. او مرا به چند قاچاقچی و خلافکار که در ایتالیا، هلند و فرانسه زندگی می‌کردند آشنا کرد. آنها سفارش شیشه دادند و قرار شد محموله‌ها را ارسال کنم و پولم را از طریق صرافی واریز کند. همین باعث شد دنبال دانشجویان ایرانی باشم که در آن کشورها درس می‌خوانند تا طرح دوستی با آنها ریخته و از طریق آنها مواد را جابه‌جا کنم. این دو خواهر را هم به همین شیوه فریب دادم و قرار بود محموله‌ای را به ایتالیا ببرند. حتی یک دختر دانشجوی مقیم فرانسه را هم فریب دادم و قرار بود یک محموله را هم به او بدهم که رابطم ترسید و انجام نند.

پس از این اعترافات، رابط‌های او هم دستگیر شدند و به جرایم خود اعتراف کردند.

اعدام عامل حمله درفشی به زنان

می‌دانستم. بعد با همسرم آشنا شدم و ازدواج کردیم و ثمره زندگی‌مان هم پسری خردسال است. فشارهای مالی و دخالت‌های خانواده

همسرم باعث شد او به خانه پدرش برود و مرا ترک کند. از زن‌ها متنفر شدم و با درفشی آنها را در خیابان‌های تهران زخمی می‌کردم. با اعتراف او به جرایمش روانه زندان شد. این در حالی بود که خرداد سال بعد عامل این جرایم خشن در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به اتهام ایراد جرح عمدی نسبت به ۵۹ نفر خانم با سلاح سرد و ایجاد رعب و وحشت محاکمه شد. متهم در برابر اتهام افساد فی الارض قرار گرفته بود. او از سوی دادگاه به اتهام «افساد فی الارض از طریق



مردی که در جریان درگیری در پاتوق پشت‌بام خواب‌ها را به پشت‌بام آورد، سعید و بهادر در یک گوشه پشت‌بام خوابیدند و من سمت دیگر پشت‌بام خوابیدم. نیمه‌شب با صدای درگیری آنها از خواب بیدار شدم. آنها با هم دست‌به‌یقه شده بودند که بهادر به پایین سقوط کرد. سعید هم رسید و فرار کرد. برای همین ساعتی بعد به محل برگشتم تا سرگوشی‌آب بدهم که دستگیر شدم.»

در حالی‌که تحقیقات برای دستگیری وی ادامه داشت، متهم پس از دو ماه زندگی مخفیانه، خودش راه پلیس تسلیم کرد و گفت: «از ۲۴ سالگی تاکنون معتادم. جایی هم برای خواب نداشتم و بیشتر در گرمخانه‌ها می‌خوابیدم، اما آنجا هم جای مناسبی نبود تا این‌که راه رفتن به پشت‌بام یک خیاطی را پیدا کردم و شب‌ها به آنجا می‌رفتم. سه ماه قبل بود که در یکی از پاتوق‌ها با فریبا آشنا شدم. او هم به مصرف مواد اعتیاد داشت و جایی برای خواب نداشت. گاهی در گرمخانه‌ها به عنوان خدمتکار کار می‌کرد، با این حال من برایش مواد هم تهیه می‌کردم تا این‌که پیشنهاد دادم برای خواب به پشت‌بام بیاید؛ البته بخشی از پشت‌بام را جدا کرده بودم تا او راحت باشد که قبول کرد. آن شب فریبا همراه بهادر به پشت‌بام آمد. بهادر کیسه‌ای داشت که پر از پوشاک سرقت شده بود. ساعتی که گذشت سر مواد باهم بحث‌مان شد و دیگر شدیم. وقتی درگیری‌مان بالا گرفت، او عقب‌عقب رفت و به پایین سقوط کرد. خودم را به پایین رساندم و فرار کردم.»

با تکمیل تحقیقات در دادسرای جنایی تهران، برای سعید کیفرخواست صادر شد و پرونده او برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در این جلسه اولیای دم درخواست قصاص کردند. متهم هم وقتی در جایگاه ایستاد منکر قتل شد و گفت: او کیسه‌ای پر از پوشاک سرقتی به پشت‌بام آورد که سر آن درگیر شدیم. در این درگیری پای او لیز خورد و از پشت‌بام به پایین سقوط کرد. بعد فریبا سراغش رفت و پتویی روی او کشید که صبح متوجه مرگش شدیم. من او را نکشتم و بر اثر یک حادثه سقوط کرد. پس از این جلسه، قضات او را به قصاص محکوم کردند که این حکم در شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور مهرتایید خورد.

جام‌جم

حوادث

INCIDENT

پنجشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۳ شماره ۶۹۳۶

🔴 کوتاه‌ازحوادث

معمای قطع دست با شمشیر در دعوا

پسر جوان که متهم است در جریان درگیری خیابانی دست پسرى را با ضربه شمشیر قطع کرده، در جلسه محاکمه منکر اتهامش شد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات پلیسی درباره این پرونده پس از انتقال پسر ۲۵ساله‌ای به‌نام هادی به بیمارستانی در ورامین آغاز شد. او سریع به اتاق عمل انتقال یافت اما عمل پیوند موقت‌آمیز نبود و دستش قطع شد. هادی بعد از ترخیص از بیمارستان، با طرح شکایتی پسرى به‌نام حامد را عامل قطع دستش معرفی کرد. او به ماموران گفت: من و حامد در دو روستا در حوالی ورامین ساکن هستیم و از قبل اختلاف داشتیم و بارها درگیر شدیم. روز حادثه حامد و برادرش بی دلیل به سمت من حمله ور شدند و حامد با شمشیر ضربه‌ای زد که باعث قطع دست راستم شد.

حامد دستگیر شد و در تحقیقات به درگیری دنباله‌دار با شاکى اعتراف کرد، اما منکر ضربه با شمشیر به دست شاکى گردید. با وجود این، پرونده برای محاکمه به شعبه ۱۳ دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

هادی در این جلسه گفت: خانواده من و حامد از قبل به‌خاطر مسائل روستا درگیری داشتند و بارها کل‌کل کرده بودیم. آن روز من نزدیک خانه‌مان بودم که حامد و برادرش به سمتم حمله کردند و حامد با شمشیری که در دست داشت ضربه‌ای به دستم زد و گریخت. برای پیوند اقدام کردم اما موفقیت‌آمیز نبود. به همین خاطر برای او درخواست قصاص دارم.

در ادامه، متهم در جایگاه ایستاد و بار د اتهامش گفت: در نزدیکی خانه‌مان بودیم که هادی و برادرش به ما حمله کردند و برای دفاع از خانواده‌مان با آنها درگیر شدیم. در این دعوا شمشیری نداشتم و برادر هادی شمشیر داشت. نمی‌دانم چطور دست او قطع شد و بی‌تقصیرم. در ادامه با توجه به اظهارات متناقض شاکى و متهم، قضات دادگاه جلسه رسیدگی را تجدید کردند تا شاهدان ماجرا هم در جلسه محاکمه حاضر شوند.

مرگ مرد معتاد در کمپ

مرد جوانی در کمپ ترک اعتیاد شهر قائن فوت کرد و تحقیقات در این رابطه آغاز شد.

حسن شرفی، مدیرکل بهزیستی خراسان جنوبی در این باره به ایرنا گفت: این مرد ۳۲ ساله به دلیل اعتیاد به شیشه و کریستال، اول آذر امسال در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد شهر قائن بستری شده بود که ۲۵ آذرماه امسال فوت کرد. این مرد از همسر خود طلاق گرفته و دارای یک فرزند است. بعد از فوت او پرونده‌ای تشکیل شد و تحقیقات از سوی پلیس برای مشخص شدن علت مرگ او ادامه دارد.

سقوط سه نفر در گودال ساختمان

سقوط دوزن و یک فوتبالیست در گودال مجاور ساختمان نیمه‌کاره نئگن شمال قائمشهر، موجب ورود داستانی به مسأله شد.

سینا ابوذرى بازيکن تیم نوجوانان نساجی مازندران در حال رفتن به تمرین تیم بود که برای نجات دوزن گرفتار شده در گودال خودش از ناحیه کمر مصدوم شد و آنها را نجات داد. علی نیازی، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان قائمشهر به این پرونده ورود کرد و با حضور در صحنه حادثه، دستور ترمیم فوری گودال و پیگیری وضعیت جوان فوتبالیست را که برای نجات آنها مصدوم شده بود، صادر کرد. قصوروتقصیری که ممکن است در این رابطه وجود داشته باشد را نیز حتماً پیگیری خواهیم کرد.

بازداشت قاتل ۳۰ دقیقه بعد از جنایت

مردی که در پی اختلاف خانوادگی فردی را با ضربه چاقو در یکی از خیابان‌های کلاله به قتل رسانده بود، ۳۰ دقیقه بعد از جنایت بازداشت شد. سرهنگ سیدخلیل هاشمی، فرمانده انتظامی کلاله استان گلستان در این باره به سایت پلیس گفت: مردی ۴۶ ساله صبح چهارشنبه در یکی از خیابان‌های شهر کلاله با ضربه چاقو به مردی ۵۳ ساله حمله‌ور شد و او را به قتل رساند. متهم گریخته بود که ۴۰ دقیقه بعد از جنایت، مخفیگاهش شناسایی و بازداشت شد. او انگیزه قتل را اختلافات شخصی و خانوادگی اعلام کرد.